

نگاهی به کار کتابت برخی شاهنامه‌ها



جواد صحراگرد

تدوین و مصورسازی متون ادبی و تاریخی فعالیت‌های کارگاه‌های هنری دربار ایران در گذشته نشان می‌دهد متونی همچون نظامی و ... بیش از دیگر متون در هر دوره مصور و تذهیب و تجلید شده است. این آثار

در کنار کتابت و تذهیب قرآن از مهم‌ترین دوره‌های مختلف بود. نمونه‌های به جا مانده شاهنامه فردوسی، کلپله و دمنه، پنج گنج و به دست هنرمندان نامدار آن عصر کتابت و در زمره بهترین آثاری است که در آن می‌توان

مجموعه‌ای کم‌نظیر از هنرهای مختلف هر عصر اعم از خوش‌نویسی و نگارگری و تذهیب و تجلید را مورد بررسی قرار داد. در این میان انتخاب مکرر شاهنامه فردوسی، به ویژه پس از استیلای مغول بر ایران، علی‌رغم متن طولانی آن که تهیه و تدوینش به صرف وقت و هزینه زیادی نیازمند است، خود موضوعی است که جای تحقیق و تدقیق دارد. از آن جا که این متن در هر عصر به دست مهم‌ترین هنرمندان تدوین شده است می‌توان گفت مهم‌ترین خوش‌نویسان هر دوره در زمره پدید آورندگان این آثارند. بنابراین بررسی این آثار در شناسایی شیوه کتابت نسخ رسمی هر دوره کاری ضروری به شمار می‌رود. برای بررسی بهتر چگونگی کتابت شاهنامه‌ها به طور مختصر از برخی از مهم‌ترین این آثار یاد می‌شود.

۱. شاهنامه بزرگ ایلخانی (نیمه نخست قرن هشتم): این اثر در گذشته به شاهنامه دموت معروف بود. اکثر صاحب‌نظران درباره زمان آغاز کتابت این اثر اتفاق نظر دارند و آن را به سال ۷۳۰ ق می‌دانند اما درباره پایان کار تدوین آن اختلاف هست. این اثر در تبریز، پایتخت ایلخانان تدوین شده و از مهم‌ترین نمونه‌های شاهنامه‌نگاری ایران است. چند برگه از این شاهنامه اکنون در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می‌شود. (نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، ص ۶۰) خط این اثر به قلم نوشته شده است و نام کاتب آن را نمی‌دانیم. شیوه نسخ نویسی این اثر نسخ کاملی است که بیشتر برای مصحف نویسی به کار می‌رود، یعنی با وجود اینکه متن اثر فارسی است هیچ تأثیری از قلم‌های دیگر همچون تعلیق تحریری آن زمان یا قلم رقاع به چشم نمی‌خورد. نکته شایان توجه در شیوه کتابت این نسخه آن است که کاتب بیشتر واژه‌ها را اعراب گذاری کرده که این کار برای نوشتن اشعار فارسی کمی غیر معمول می‌نماید. شیوه صفحه‌آرایی این اثر کمی با شیوه صفحه‌آرایی نسخه‌های سلجوقی متفاوت است، به این صورت که نوشته متن با تصویر کمی تداخل دارد. اما تصویرها به صورت نوارهایی در عرض صفحه کار شده که با خط کاتب آن مناسبت دارد.

۲. شاهنامه‌ای از قرن هشتم: از این شاهنامه آگاهی چندانی در دست نیست. تنها چند برگه از آن در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می‌شود. صاحب‌نظران زمان تهیه آن را اوایل قرن هشتم می‌دانند. شیوه کتابت این اثر کمی سهل

بردش از دربان ارجمند
 هر آنکس که دینداران بوم
 شبتی از در صف کارزار
 بزرگ و در صلوات بود
 عینی که اندازد بر آن سبزه
 بی آرام شد مردم جنگجو
 در کرب از آن سو کی ایستد
 حب و راشت بر کار از آن خندان
 ندارد در آن شیدا سبزه
 که بکشدش بر دستان او
 جز آنکه قبضه بر شاه
 برون نام قبضه

عرض کاه و دیوان را پند
 بکشند و خافش همی شنید
 سلسله مهر روم در آن شد
 جوانی که یا شش بر ذ نام
 جویشند با فتنه جو شد
 زده بر کشیدند و خاست
 بزرگ و نه با کشش فرزند
 هر با بهتر آن کرم کرد آینه
 پس از همی یافت تا بورد
 به ما وزن سبزه و جلبا نماید
 که او برده بدخرا از آن
 روم اندرون جای درخ

کلنده رگنجا خوانند
 با آتش جهانی بر آفرینند
 وز او از ساوور بر آن شد
 جهانجوی و محسنه ملکام
 که گنیزاد ز شایده هفت
 بیامده مان با فتنه و
 ره رسومی کشش با ذیند
 زمین گشت جهان بجان سبزه
 بگرد از هوار و شایه
 در زها صلب و سکو با ما
 نه کم گوشه بد کج بار طبع
 صلب مسیحی و مسیح نماید

سبزه ایچن کرد و روزی
 جو اکاهی اندازد بر آن بوم
 همی گفته کس که این بکند
 شد دل بحر لشکری رور
 نزد کوسر آورد بیرون
 بر آمدن کی بر کردی سبزه
 بکشند جهان که روی
 سوی لشکر و میان جمله
 بهر جای که بر می نود
 ره جای خندان غنم
 به لشکر روم کرد آمدند
 جو راز قلسش شد حسنه

شش ز کوفه و
 که و ران شد از
 مک قصر با جوا
 درم داد بر طاس
 صلیبی زک و
 گران تر کی دنده
 شد از سو سن کشش
 بزرگش بهما نمود
 زمینها کفر سزا
 که لشکر از روم
 رقبضه می
 حلیا مطرا ز را



انگارانه تر از شاهنامه ایلخانی است. خط این رقاغ نیز تأثیراتی دارد. کتیبه ها و عناوین این شیوه از شیوه های رایج عنوان نویسی در آن عهد سلجوقی است و نگاره ها به صورت افقی

اثر به قلم نسخ تحریری است که از توقیع و اثر به قلم توقیع و زرین مححر است. این عهد است. شیوه صفحه آرای آن همانند آثار در میانه صفحه قرار دارد.

۳. شاهنامه بایسنقری: این نسخه یکی از هرات، پایتخت تیموریان و در عهد پادشاهی شاهرخ برای بایسنقر شاهزاده تیموری کتابت و مصور شد (پنجم جمادی الاولی ۸۳۳ ق). بهترین هنرمندان آن عصر در تدوین این اثر دست داشتند. خط این شاهنامه را جعفر تبریزی معروف به جعفر بایسنقری به قلم نستعلیق نوشت. احتمالاً او شاگرد عبدالله فرزند میرعلی تبریزی بود، بنابراین با واسطه از شاگردان میرعلی تبریزی - واضع قلم نستعلیق - به شمار می رود. جعفر تبریزی در آن عهد ریاست کتابخانه دربار را نیز بر عهده داشت. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست، گویا مدتی در تبریز در خدمت میرانشاه بن تیمور بود. برخی او را دومین استاد نستعلیق دانسته اند. او به همراه اظهر تبریزی به رواج شیوه شرقی قلم نستعلیق پرداخت و این شیوه را عمومی کرد به طوری که پس از یک قرن همه خوشنویسان از این شیوه پیروی کردند. او افزون بر نستعلیق در دیگر قلم ها نیز استاد بود. شاهنامه مذکور به دستور بایسنقر با مقابله نسخه هایی چند کتابت و مقدمه ای بر آن افزوده شده و دقیق ترین شرایط هنر کتابی در تهیه آن رعایت و تذهیب و تشعیر و تصویر و تجلید آن به بهترین صورتی انجام شده است. متن کتاب به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط و عنوان ها به کوفی تزیینی خوش و غالباً نیم دو دانگ رقاغ عالی است. (احوال و آثار خوشنویسان، ص ۱۱۴)

مهم ترین شاهنامه های تدوین شده است که در هرات، پایتخت تیموریان و در عهد پادشاهی شاهرخ برای بایسنقر شاهزاده تیموری کتابت و مصور شد (پنجم جمادی الاولی ۸۳۳ ق). بهترین هنرمندان آن عصر در تدوین این اثر دست داشتند. خط این شاهنامه را جعفر تبریزی معروف به جعفر بایسنقری به قلم نستعلیق نوشت. احتمالاً او شاگرد عبدالله فرزند میرعلی تبریزی بود، بنابراین با واسطه از شاگردان میرعلی تبریزی - واضع قلم نستعلیق - به شمار می رود. جعفر تبریزی در آن عهد ریاست کتابخانه دربار را نیز بر عهده داشت. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست، گویا مدتی در تبریز در خدمت میرانشاه بن تیمور بود. برخی او را دومین استاد نستعلیق دانسته اند. او به همراه اظهر تبریزی به رواج شیوه شرقی قلم نستعلیق پرداخت و این شیوه را عمومی کرد به طوری که پس از یک قرن همه خوشنویسان از این شیوه پیروی کردند. او افزون بر نستعلیق در دیگر قلم ها نیز استاد بود. شاهنامه مذکور به دستور بایسنقر با مقابله نسخه هایی چند کتابت و مقدمه ای بر آن افزوده شده و دقیق ترین شرایط هنر کتابی در تهیه آن رعایت و تذهیب و تشعیر و تصویر و تجلید آن به بهترین صورتی انجام شده است. متن کتاب به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط و عنوان ها به کوفی تزیینی خوش و غالباً نیم دو دانگ رقاغ عالی است. (احوال و آثار خوشنویسان، ص ۱۱۴)

۴. شاهنامه شاه اسماعیل دوم: این اثر که اکنون شماری از صفحات مصور آن در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می شود، در دوره پر تلاطم و کوتاه مدت پادشاهی شاه اسماعیل دوم (۹۸۴ق) در قزوین به سفارش او ساخته شده است. (شاهکارهای نگارگری، ص ۳۰۷) این شاهنامه به قلم نستعلیق کتابت نگاشته شده است. همچنین کتیبه های متن نیز به قلم نستعلیق زرین مححر است و غالب صفحات را تشعیر کار کرده اند. از آن جا که این اثر به دست دلالان هنری از هم گسیخته و آن را به صورت پراکنده فروخته اند نام کاتب آن که احتمالاً در صفحه پایانی بوده، مشخص نیست.

۵. شاهنامه شاه طهماسبی: ساخت این شاهنامه در زمان پادشاهی شاه اسماعیل اول آغاز شد. در میان شاهنامه های تدوین شده تا کنون هیچ اثری از حیث شمار مجالس و زیبایی و شکوهمندی تصاویر به عظمت نگاره های این نسخه نمی رسد.

این نسخه ۲۵۸ نگاره دارد و به سال ۹۴۴ق کار تدوین آن به پایان رسیده است. ساخت این اثر حدود بیست سال طول کشید. اندازه این اثر ۳۲×۴۷/۵ سانتی متر است و حدود ۱۱۸ نگاره و قسمتی از متن آن در گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود. (شاهکارهای نگارگری، ص ۲۳۱) خط این اثر به قلم نستعلیق کتابت عالی نوشته شده است. به علت جدا شدن صفحات آن از نام کاتب آن آگاهی‌ای در دست نیست، اما در مناقب هنروران ذیل نام شاه محمود نیشابوری آمده که او برای شاه اسماعیل صفوی شاهنامه‌ای کتابت کرد که موجب خوشایندی شاه و قرابت شاه محمود نزد سلطان گردید. همچنین این شخص ملازم شاه طهماسب صفوی بود و همه روزه با کاتبان و نقاشان و هنرمندان در کتابخانه سرکاری به کتابت مشغول بود. (به نقل از احوال و آثار خوشنویسان، ص ۲۹۴) با توجه به این مطالب و اینکه به گواهی مهدی بیانی، شاه محمود در آن عهد یکی از خوش‌نویسانی بود که قلم کتابت نستعلیق را بهتر از دیگر هنرمندان زمان خود می‌نوشت و اینکه کار کتابت خمسه طهماسبی نیز از اوست، می‌توان گفت کاتب شاهنامه شاه طهماسبی نیز هم اوست. شاه محمود مشهور به زرین قلم خواهر زاده و شاگرد عبدی نیشابوری است. منزلت شاه محمود نزد شاه اسماعیل به قدری بود که در خلال جنگ چالدران که احتمال شکست ایران می‌رفت، شاه او و بهزاد نقاش را در غاری پنهان کرد تا از گزند دشمنان در امان باشند. پس از شاه اسماعیل او در دستگاه شاه طهماسب نیز مقامی والا داشت. او پس از تغییر خلق و خوی شاه طهماسب به مشهد رفت و مجاور آستان رضوی شد. درباره تاریخ وفات او اختلاف است ولی احتمالاً تا سال ۹۸۹ق در قید حیات بود. (همان، ص ۲۹۵)

۶. شاهنامه محمدبن اسماعیل اصفهانی: این اثر در مدرسه عالی شهید مطهری نگهداری می‌شود. قطع صفحات آن ۲۵×۳۷ سانتی متر است و در سال ۱۰۳۰ق به دست محمدبن اسماعیل اصفهانی کتابت شده است. خط این اثر به قلم کتابت نستعلیق است و ۵۱ نگاره دارد. (شاهکارهای نگارگری ایران، ص ۳۳۵) از احوال کاتب این اثر آگاهی‌ای به دست نیامد.

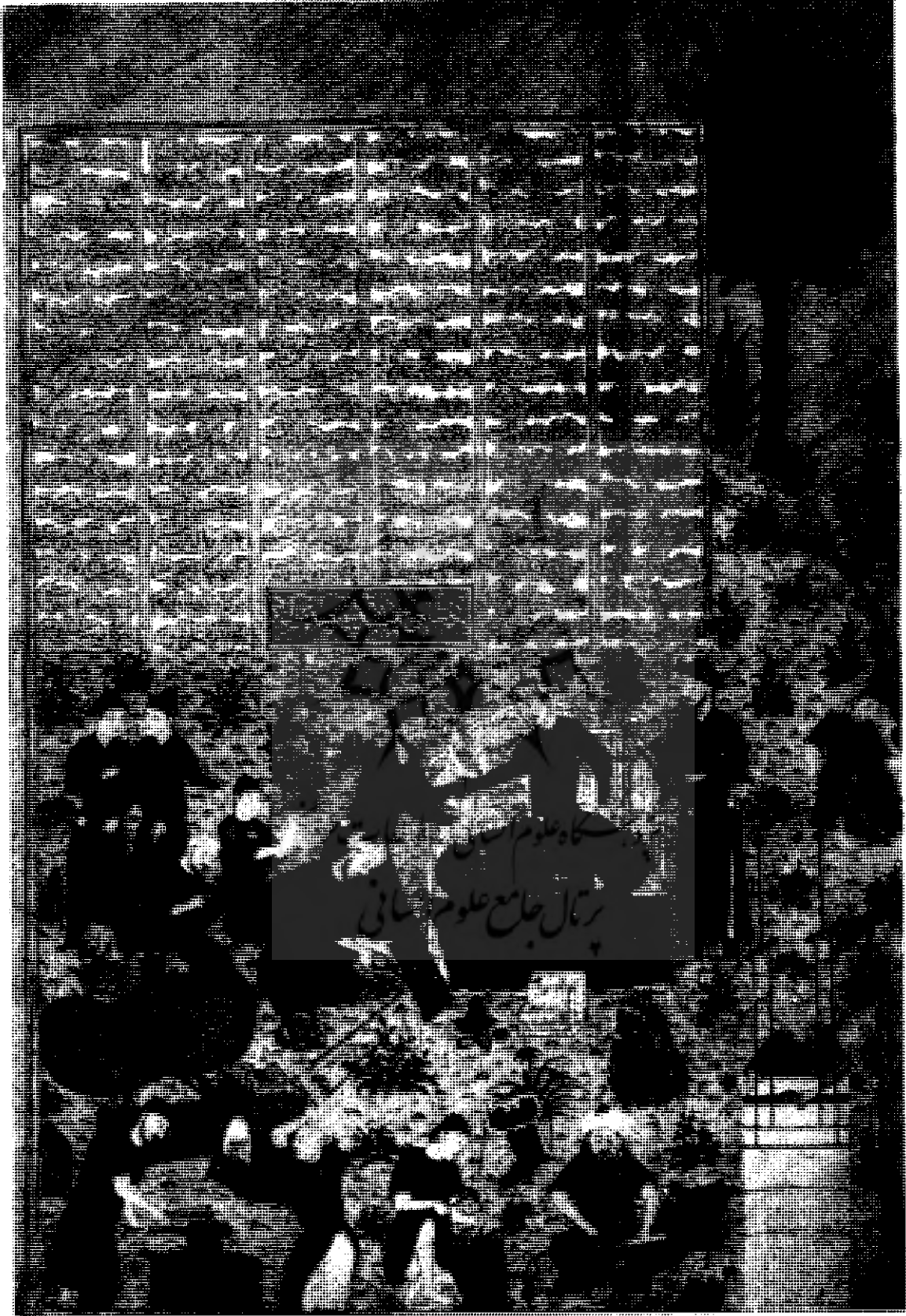
۷. شاهنامه محمد کاتب: این اثر در موزه ملی نگهداری می‌شود و قطع آن ۲۳/۵×۳۸/۵ سانتی متر است و ۱۱۷۴ صفحه دارد. خط این اثر را محمد کاتب و به قلم نستعلیق ۴۳ نگاره بدون امضا دارد. (همان، ص ۳۱۹) است که برخی وی را شاگرد مالک دیلمی نیشابوری و ... می‌دانند. او شعر نیز می‌گفت ۹۷۶ ق آورده‌اند. او افزون بر نستعلیق در بیانی ثلث او را بر نستعلیقش رجحان داده فردوسی- از آثار مهم اوست که به قلم گذشته نهصد و سی بود و هشت از هجرت به دست بنده کمتر محمد کاتب امید هست که مستکتیش به هر دو جهان (احوال و آثار خوشنویسان، ص ۲۹۲ و ۲۹۳) بر اساس رقم او این اثر را در رمضان ۹۳۸ق کتابت کرده است.



۸. شاهنامه رشید: این نسخه در قرن یازدهم و احتمالاً در اصفهان تدوین شده و از آن جا که کتابت آن به عبدالرشید دیلمی - شاگرد میرعماد الحسنی - منسوب است بدین نام مشهور شده است. این نسخه به قطع رحلی (۲۷×۴۴/۵) سانتی متر) است و ۷۳۸ صفحه دارد. خط آن به قلم نستعلیق کتابت جلی عالی است. (شاهکارهای نگارگری ایران، ص ۳۳۷) عبدالرشید دیلمی را در ایران به نام «عبدالرشید» و «رشیدا» و در هندوستان به عنوان «آقارشید» و «آقا» می‌خواندند. او خواهر زاده و شاگرد میرعماد الحسنی بود و پس از قتل میرعماد مدتی در اصفهان بود و سپس به هندوستان رفت و به دربار شاه جهان راه یافت تا جزو ملازمان خاص او گردید. روش رشیدا در نستعلیق کاملاً مشابه شیوه میرعماد است. با اینکه در میان تذکره‌نویسان درباره تاریخ وفات او اختلاف هست، گویا سال ۱۰۸۱ق سال وفات اوست. (احوال و آثار خوشنویسان، ص ۳۹۳)

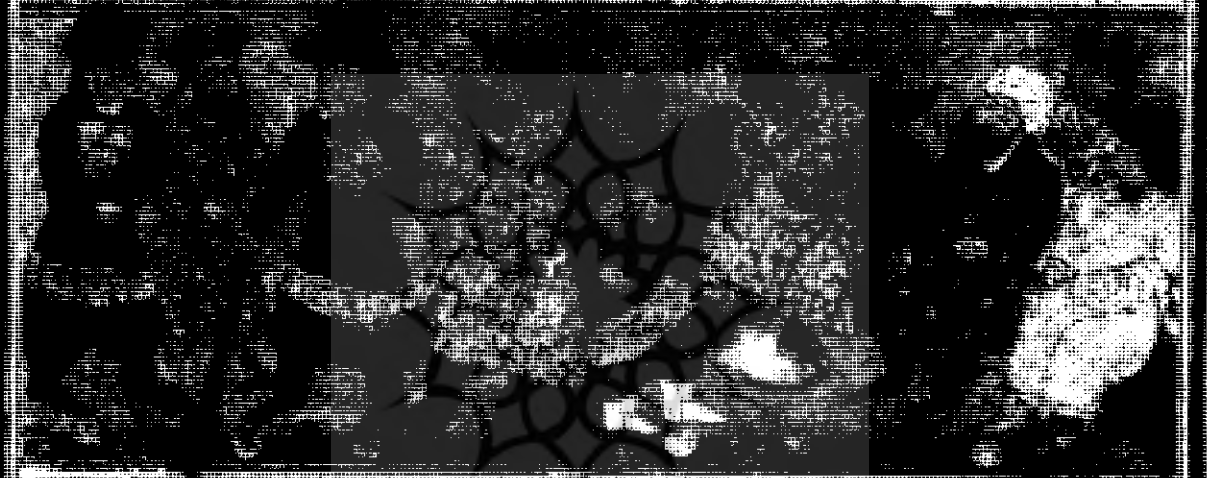
۹. شاهنامه شاه عباس: این شاهنامه هیچ‌گاه نوشته نشد. اما در شرح حال میرعماد آمده است که پس از رنجیده شدن میرعماد از شاه عباس که نتیجه سعی دشمنان و حاسدان بود، شاه عباس کتابت این شاهنامه را به میرعماد سفارش داد اما میر پس از یک سال تنها به نوشتن هفتاد بیت از شاهنامه اکتفا کرد و همین امر سبب رنجش بیشتر شاه شد. اگرچه این روایت کمی به افسانه می‌ماند، چون معروف است در این جا نقل شد. (نقل از احوال و آثار خوشنویسان، ص ۵۲۶)

۱۰. شاهنامه قوام: این اثر در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود و قطع آن سلطانی (۳۲×۴۶ سانتی متر) است و ۵۸۱ صفحه دارد. خط این اثر را قوام الدین محمد شیرازی به قلم نستعلیق و به سال ۱۰۰۰ق کتابت کرده است. صفحات مصور این



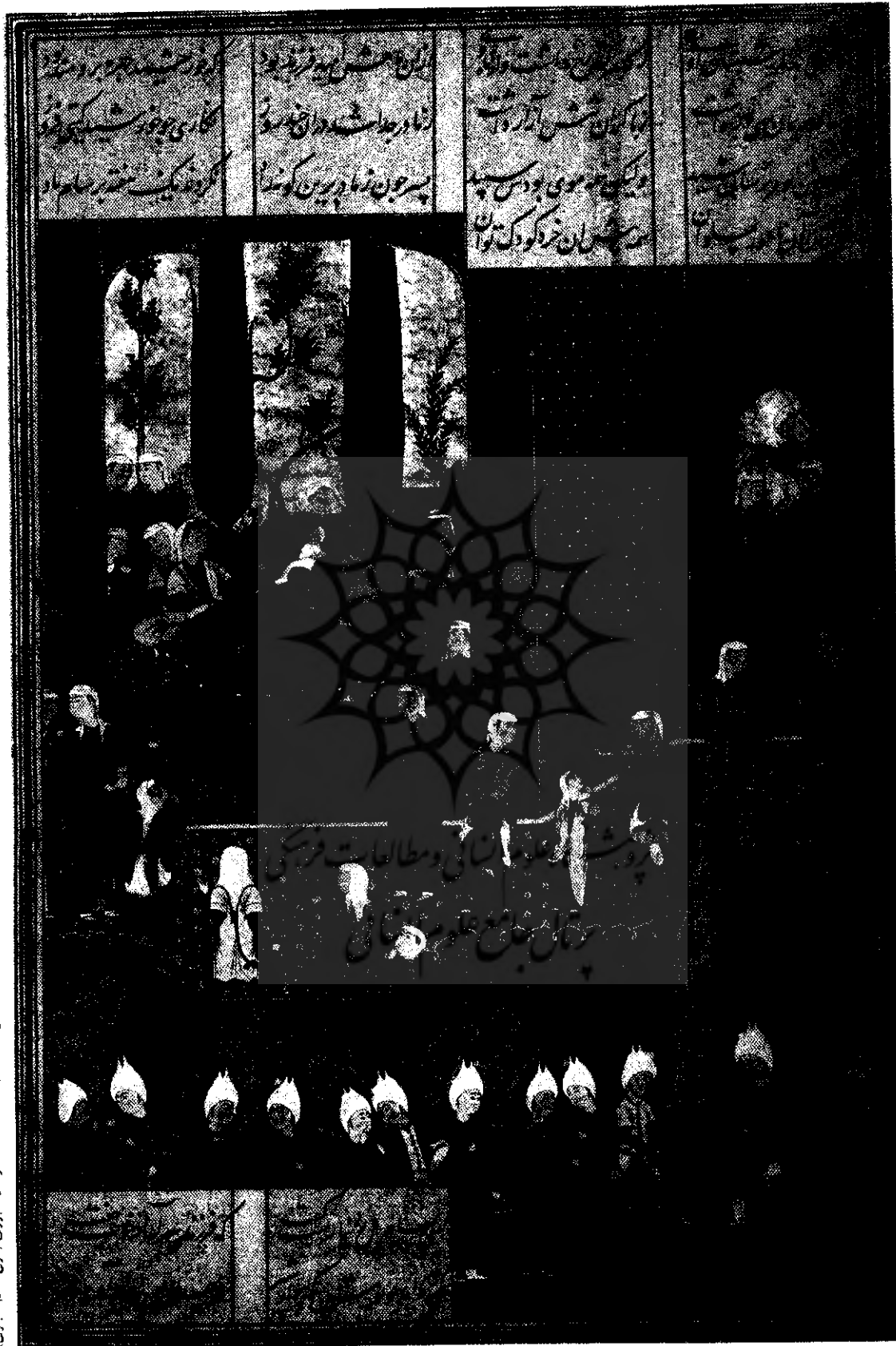
تصویر ۲. صفحهای از شاهنامه قرن هشتم هجری، به قلم نسخ (قرن هشتم هجری)

باز آن که ای لشکر روزم زده بود روز بجستش کج میماند بمانا که حق را نشود با او کافات که او کجا باشد بماند روزم قران بستم وزان حق تمام کرد	تو صفت تمام دین بهرین شعله بود گرام از عیان زها دکواست مدح نبی عالم برای بهر حق خواهر اولی بهر حق کون بر منی بدم هر کسی او بر محمد	سکون و سکون دین بود که ای بهرین شعله بود گرام از عیان زها دکواست مدح نبی عالم برای بهر حق خواهر اولی بهر حق کون بر منی بدم هر کسی او بر محمد	سکون و سکون دین بود که ای بهرین شعله بود گرام از عیان زها دکواست مدح نبی عالم برای بهر حق خواهر اولی بهر حق کون بر منی بدم هر کسی او بر محمد	سکون و سکون دین بود که ای بهرین شعله بود گرام از عیان زها دکواست مدح نبی عالم برای بهر حق خواهر اولی بهر حق کون بر منی بدم هر کسی او بر محمد	سکون و سکون دین بود که ای بهرین شعله بود گرام از عیان زها دکواست مدح نبی عالم برای بهر حق خواهر اولی بهر حق کون بر منی بدم هر کسی او بر محمد
--	---	--	--	--	--



شاه روز بمانا بهرین عالم کون هر کسی بهرین عالم کون هر کسی	شاه روز بمانا بهرین عالم کون هر کسی بهرین عالم کون هر کسی	شاه روز بمانا بهرین عالم کون هر کسی بهرین عالم کون هر کسی	شاه روز بمانا بهرین عالم کون هر کسی بهرین عالم کون هر کسی	شاه روز بمانا بهرین عالم کون هر کسی بهرین عالم کون هر کسی	شاه روز بمانا بهرین عالم کون هر کسی بهرین عالم کون هر کسی
---	---	---	---	---	---

تاریخ



تصویر ۴. صفحہ ای از شاہنامہ شاہ طہماسپی اختلا بہ خط شاہ محمود نینا پوری (قرن دہم ہجری)

شاهنامه ۳۸ نگاره و دو سر لوح بدون امضا است که در مکتب قزوین کار شده است. (شاهکارهای نگارگری ایران، ص ۳۷۳) محمد قوام شیرازی از هنرمندان پرکار قرن دهم است که از او آثار بسیاری به جا مانده است. همچنین به گفته مهدی بیانی از او شاهنامه‌ای در موزه آثار اسلامی و ترک استانبول هست که چنین رقم دارد: «محمد قوام ... در شهر شیراز» و نیز او از شاهنامه‌ای دیگر نام برده به تاریخ ۹۶۰ق با رقم «محمد القوام الشیرازی» که در موزه هنرهای زیبای بوستن نگهداری می‌شود. (احوال و آثار خوشنویسان، ص ۸۱۶)

۱۱. شاهنامه داوری: این شاهنامه را محمد داوری، آقا لطفعلی صورتگر، میرزا آقا نقاش، میرزا یوسف مذهب‌باشی و احتمالاً برادر داوری ملقب به فرهنگ - هنرمندان شیرازی - ساختند. شاهنامه داوری به نام محمد داوری است. او از خانواده معروف و هنرمند وصال و سومین فرزند محمد شفیع وصال شیرازی است. شاهنامه داوری بی‌هیچ سفارش و به همت شخص داوری در حدود ده سال تهیه شد. این نسخه در چهار جلد تنظیم و صحافی شده است، ۱۲۳۲ صفحه دارد و ابعاد آن ۲۸۴×۴۲۴ میلی‌متر است. خط آن نستعلیق و به دست محمد داوری نگاشته شده است. این اثر در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود. متن شاهنامه تقریباً در سراسر کتاب به قلم سیاه و بر زمینه سفید است. صفحات آغازین هر جلد تذهیب دارد. کتابت شاهنامه داوری نزدیک به پنج سال طول کشید و همین مدت نیز برای تذهیب و نقاشی مجالس آن وقت صرف شد. دوازده مجلس شاهنامه به قلم محمد داوری - کاتب اثر - است. او در شش قلم خوش‌نویسی مهارت داشت که آن را مدیون خاندان هنرمند خود به ویژه پدرش است؛ همچنان که نقاشی نیز می‌دانسته و چنان که خود سروده، پس از کتابت شاهنامه به تصویرگری آن مبادرت ورزید.

به طور کلی اگر تمام شاهنامه‌های کتابت شده در کارگاه‌های سلطنتی و آنهایی را که بیرون از این کارگاه‌ها تدوین شده اما در تاریخ شاهنامه‌نگاری اهمیت ویژه‌ای دارد - همچون شاهنامه داوری - بررسی کنیم، خواهیم دید در درجه نخست قلم به کار رفته در نگارش متن این آثار تنها به دو قلم نسخ و نستعلیق منحصر است. از این میان شاهنامه‌هایی که پیش از پایان قرن هشتم تدوین شده به قلم نسخ و آثار پس از این زمان مشخصاً به قلم نستعلیق است. اگرچه نمونه‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد که ممکن است به یافته باشد، اما چنان‌که یاد شد در این تحقیق و رسمی هر دوره است و اغلب در کارگاه‌های انتخاب قلم نسخ برای نگارش شاهنامه و قیاس با دیگر قلم‌های آن دوره همچون ثلث داشت، خواناتر و به ویژه راحت تر و سریع تر از پیدایش قلم نستعلیق - آغاز قرن نهم - نه دیگر متون فارسی که باید صورتی فاخر و رسمی



البته در این میان گاه پیش می‌آمد که نسخ به کار رفته در این آثار کمی از دیگر قلم‌ها به ویژه رقاع و گاه از تعلیق نیز تأثیر پذیرد، همانند شاهنامه‌ای که از قرن هشتم معرفی شد، ولی در برخی نمونه‌ها همچون شاهنامه بزرگ ایلخانی نسخ کاملی را می‌بینیم که حتی برخی واژه‌ها را نیز به شیوه نگارش متون عربی اعراب‌گذاری کرده‌اند. پس از آغاز قرن نهم قلم نستعلیق که به تازگی به دست میرعلی تبریزی وضع شده بود بسیار مقبول طبع کاتبان افتاد و برای نگارش متون فارسی کاربردی گسترده یافت، به طوری که از آن زمان به بعد تمام متون رسمی را به این قلم می‌نوشتند و برای مراسلات اداری و نگارش متن‌های غیر رسمی و کم‌اهمیت از شکسته تعلیق استفاده می‌کردند. چنان‌که دیدیم کهن‌ترین شاهنامه تدوین شده به قلم نستعلیق شاهنامه بایسنقری است و یکی از آخرین این نمونه‌ها شاهنامه داوری است. پس از شاهنامه داوری دیگر نمونه شاخصی در این زمینه تدوین نشد و مهم‌ترین کار گروهی هنرمندان در تدوین یک نسخه شاهانه تنها به اثر هزار و یک شب منحصر است که به دستور ناصرالدین شاه کتابت، مصور و تجلید شد. این آثار آخرین نمونه‌هایی است از نسخه‌پردازی که گروهی هنرمند شاخص در تهیه آن نقشی اساسی داشتند و پس از آن دیگر اثری شاخص پدید نیامد. شاید بتوان یکی از علت‌های آن را رواج چاپ سنگی و تهیه این گونه شاهنامه‌ها دانست که البته این فرض خود به تحقیقی دقیق نیازمند است.

کتاب‌نامه

- شاهکارهای نگارگری ایران، تهران، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۸۲.
 پاکباز، رویین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، زرین و سیمین، ۱۳۸۳.
 بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، ۴ج، تهران، علمی، ۱۳۶۳.
 مصطفی عالی افندی، مناقب هنروران، ترجمه توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران، سروش، ۱۳۶۹.
 کمالی سروستانی، کورش، مجالس شاهنامه داوری، بنیاد فارس‌شناسی، شیراز، ۱۳۸۲.